خبر

رئیس جمهور در جلسه بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی دفاع:

دفاع نیروهای مسلح باعث سربلندی ما در جهان شده است

رئیس جمهور در سخنرانی خود در جلسه بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح که به‌صورت برخط برگزار شد با اشاره به دیدارهای خود با مقام‌های کشورهای مختلف گفت: در سفرهای خارجی و نشست‌هایی که با وزیران و رؤسای کشورها داریم، آنها در برابر قدرت، عزت و سربلندی نیروهای مسلح ما تمکین می‌کنند. دفاعی که این عزیزان انجام دادند و توان ایستادگی‌ای که از خود نشان دادند، موجب تحیر کشورهای منطقه شده است. دفاع این عزیزان باعث سربلندی ما در جامعه جهانی شده است. همه کشورهای دنیا و منطقه در برابر این عزت و سربلندی متحیر هستند.

رئیس جمهور ، ضمن گرامیداشت یاد و نام رهبر شهید انقلاب، شهدای دفاع مقدس، شهدای جنگ ۴۰ روزه، دانشمندان، دانش‌آموزان و وزیر شهید دفاع، سرلشکر نصیرزاده، از تلاش‌ها و فداکاری‌های نیروهای مسلح در دفاع از کشور قدردانی کرد و گفت: قبل از هر چیز از مهندس اخلاقی به‌دلیل پذیرفتن مسئولیت قدردانی می‌کنم. نیروهای مسلح ما در دفاع از کشور صحنه‌هایی خلق کردند که نگاه دنیا را در برابر این ایثارگری، فداکاری و توانمندی خیره کرده است.

دکتر پزشکیان با اشاره به سوابق علمی و اجرایی وزیر پیشنهادی دفاع تصریح کرد: صلاحیت علمی و دانش ایشان در حوزه ساختار دفاعی و اقداماتی که در این زمینه انجام داده‌اند، بر کسی پوشیده نیست. تلاش‌های ایشان در کنار تلاش‌های شهدای بزرگواری همچون شهید تهرانی‌مقدم و شهید فخری‌زاده موجب شد توان دفاعی کشور به جایگاهی برسد که قدرت‌های خارجی با وجود برخورداری از امکانات و تجهیزات گسترده، به‌راحتی جسارت تجاوز به کشور ما را نداشته باشند.

احتمال مخالفت ایران با قطعنامه سازمان همکاری‌های اسلامی

وزیر خارجه در حاشیه «اجلاس شورای وزرای خارجه سازمان همکاری‌های اسلامی» در پاسخ به پرسشی درباره «بیانیه پایانی و قطعنامه‌هایی که در این اجلاس تصویب شده و این‌که آیا منافع و مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل جهان اسلام، از جمله یمن، در این اسناد منعکس شده است؟» گفت: در حال حاضر که با شما صحبت می‌کنم، هنوز قطعنامه‌ها به تصویب نرسیده‌اند و نگارش بیانیه نهایی نیز کامل نشده است. همکاران من از روزهای گذشته تلاش کرده‌اند تا دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در قطعنامه‌ها منعکس شود. تقریبا تمام قطعنامه‌ها، به‌استثنای برخی موارد، تکرار قطعنامه‌های سال گذشته هستند.

«سیدعباس عراقچی با اشاره به این‌که درباره یمن، بحث‌های جدی در این اجلاس صورت گرفت، گفت: طرف سعودی دیدگاه‌های خود را مطرح کرد و ما نیز مواضع خود را بیان کردیم؛ سایر کشورها نیز دیدگاه‌های‌شان را مطرح کردند. خواستند قطعنامه‌ای در این خصوص تصویب شود که هنوز نهایی نشده است. عراقچی افزود: ما امیدواریم در قطعنامه بیانیه نهایی، انصاف و توازن رعایت شود. اگر این اتفاق نیفتد، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند به قطعنامه مربوط بپیوندد و در این صورت، تحفظ خود را درباره قطعنامه خاص اعلام خواهد کرد. حتی ممکن است صراحتا اعلام کنیم که آن را قبول نداریم؛ البته این موضوع به متن نهایی قطعنامه بستگی دارد.

لاوروف امروز به تهران می آید

سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو اعلام کرد که سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه به تهران امروز و در ادامه رایزنی‌های سطح بالای دوکشور انجام می‌شود. کاظم جلالی در مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «دکتر پزشکیان و آقای پوتین (رؤسای جمهور ایران و روسیه) نیز هفته گذشته در آوازه ترکمنستان برای سومین بار در یک ماه گذشته دیدار کردند. وی خاطرنشان کرد: در میان تحولات پرشتاب، تعامل نزدیک میان تهران و مسکو علاوه بر دستورکار دوجانبه، شامل موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی و مبتنی بر سیاست اصولی دو کشور برای حفظ و ارتقای صلح، ثبات و امنیت پیرامونی، بدون دخالت و مشکل‌آفرینی بازیگران بیرونی است.

مقامات نظامی عالی رتبه کشورمان از طراحی ویران کننده برای دشمن آمریکایی-صهیونی خبر دادند

خط و نشان فرماندهان

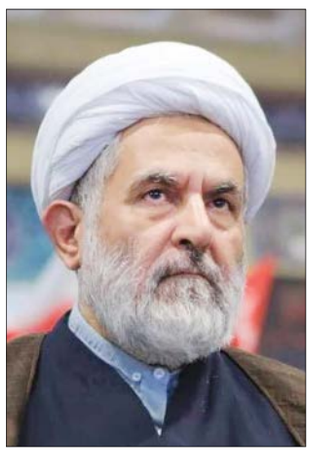

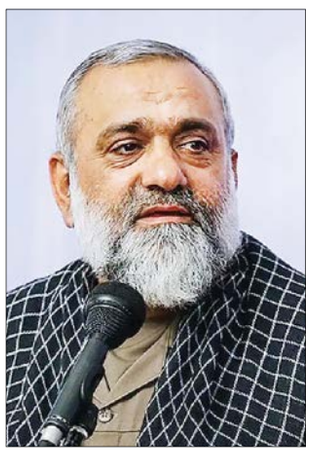

در ادامه تحولات پرشتاب این روزهای منطقه غرب آسیا و تنها ۱۶ روز مانده به انتخابات مهم میاندوره‌ای آمریکا محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «هذیان‌گویی و تهدیدهای مکرر این روزهای مقامات آمریکایی و صهیونی، واقعیت میدان را تغییر نمی‌دهد. نیروهای مسلح ایران برای ماجراجویی جدید، طرحی ویرانگرتر از جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه آماده کرده‌اند. طرح عملیاتی جدید ایران، با قواعدی که آنها می‌شناسند، پیش نخواهد رفت.» این پیام که در روز رأی اعتماد به وزیر دفاع جدید منتشر شد، بیش از آن‌که یک هشدار معمولی باشد، بیانگر ارزیابی میدان از سوی یکی از باتجربه‌ترین چهره‌های امنیتی ـ نظامی کشور است. رضایی با اشاره به جنگ‌های قبلی، تأکید کرد که هرگونه ماجراجویی تازه با پاسخی فراتر از محاسبات شناخته‌شده دشمن روبه‌رو خواهد شد.

حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین نیز در هشتمین نشست جهاد تبیین که در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برگزار شد، به تغییر راهبرد دشمن اشاره کرد. او توضیح داد که آمریکا و اسرائیل پس از شکست در حوزه نظامی، راهبرد خود را از جنگ تمام‌عیار مستقیم به سمت گروه‌های نیابتی، پیمان‌های منطقه‌ای، فشارهای اقتصادی و ناامن‌سازی تغییر داده‌اند. طائب با تأکید بر این‌که امروز رقابت اصلی، رقابت تاب‌آوری است، تنگه هرمز را ابزاری برای تنظیم توازن قوا توصیف کرد و یادآور شد که برآوردهای اولیه دشمن درباره فروپاشی سریع ایران کاملا غلط از آب درآمد. در سوی دیپلماسی، عراقچی، وزیر امور خارجه، در حاشیه اجلاس وزیران سازمان همکاری اسلامی در بغداد، موضع ایران را شفاف کرد. او گفت: «شرایط ما کاملا روشن است و در قالب طرح هفت‌روزه به آمریکا ارائه شده است و آنها نظرات خود را دادند که ما هنوز در حال پاسخگویی هستیم. از نظر ما طرح هفت‌روزه روی میز است و اگر صداقتی در طرف آمریکا هست که وجود ندارد، راهش مشخص است. اگر به آن شروط عمل کنند تنگه در روز ششم باز خواهد شد و روز هفتم مذاکرات آغاز می‌شود. ما در برابر تهدیدات به هیچ‌وجه سر خم نخواهیم کرد، ما بیش از گذشته آمادگی دفاع از خود را داریم، درعین‌حال در مسیر دیپلماسی به شرط این‌که عزتمندانه و شرافتمندانه باشد و حقوق ملت ایران را نیز تأمین کند نیز آماده هستیم.» این اظهارات، ادامه رویکردی است که تهران از ماه‌ها پیش دنبال کرده: باز نگه‌داشتن در دیپلماسی بدون عقب‌نشینی از خطوط قرمز.

غیرقابل پیش‌بینی بودن پاسخ؛ عامل بازدارنده

تحلیل شرایط کنونی نشان می‌دهد که یکی از نقاط قوت ایران در این مرحله، غیرقابل پیش‌بینی بودن پاسخ‌های احتمالی آن است. فرماندهان و مقامات ایرانی بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که قواعد بازی پیشین دیگر حاکم نیست. پیام رضایی درباره طرحی که «با قواعدی که آنها می‌شناسند پیش نخواهد رفت»، دقیقا در همین راستا قرار می‌گیرد. این رویکرد، دشمن را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد؛ زیرا هرگونه اقدام تهاجمی جدید، نه‌تنها با پاسخ نظامی، بلکه با زنجیره‌ای از پیامدهای منطقه‌ای و اقتصادی روبه‌رو خواهد شد که کنترل آن از دست واشنگتن خارج است. اخلاقی نیز با اشاره به آمادگی کامل برای مقابله با تهدیدهایی مانند استفاده از سلاح‌های متعارف سنگین، عملا اعلام کرد که محاسبات هزینه ـ فایده آمریکا تغییر کرده است. تجربه جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نشان داد که تاب‌آوری ایران فراتر از برآوردهای اولیه دشمن بوده و اکنون با تکمیل توانمندی‌ها، این فاصله بیشتر شده است.

طائب نیز با تشریح چرخش دشمن به سمت جنگ نیابتی و اقتصادی، تلویحا اشاره کرد که ایران در این عرصه‌ها نیز ابزارهای خود را تقویت کرده است. کنترل تنگه هرمز، که بر اساس شواهد میدانی به‌شدت در دست تهران است، یکی از این ابزارهاست. بازگشت قیمت نفت به بالای صد دلار، بازتاب مستقیم همین واقعیت در بازارهای جهانی است و فشار اقتصادی را به سمت کشورهای مصرف‌کننده، ازجمله متحدان آمریکا، هدایت می‌کند.

منابع معتبر خارجی نیز در گزارش‌های اخیر خود به این تغییر معادله اشاره کرده‌اند. تحلیلگران غربی اذعان دارند که ادامه تنش در تنگه هرمز، آسیب‌پذیری زنجیره تأمین انرژی جهانی را افزایش داده و هزینه هرگونه درگیری تازه را برای آمریکا بالا برده است. درحالی‌که تهدیدهای لفظی از سوی مقامات آمریکایی ادامه دارد، میدان نشان می‌دهد که تهران با ترکیب بازدارندگی نظامی، کنترل راهبردی بر آبراه حیاتی و آمادگی دیپلماتیک مشروط، دست بالاتر را حفظ کرده است.

قدرت ایران در برابر ضعف محاسباتی آمریکا

وضعیت کنونی بیش از هر چیز، ضعف ساختاری طرف آمریکایی را نمایان می‌کند. آمریکا که زمانی با تکیه بر برتری هوایی و دریایی خود محاسبات را یکطرفه می‌دید، اکنون با واقعیت تاب‌آوری ایران و پیامدهای اقتصادی گسترده روبه‌روست. اظهارات فرماندهان ایرانی، از رضایی تا اخلاقی، همگی بر این نکته مشترک تأکید دارند که هر خطای محاسباتی تازه، پاسخی گسترده و خارج از چارچوب‌های آشنا خواهد داشت. این غیرقابل‌پیش‌بینی بودن، خود به یک عامل قدرت تبدیل شده است؛ عاملی که تصمیم‌گیری در واشنگتن را دشوارتر کرده و فضای مانور آن را محدود ساخته است. طرح هفت‌روزه عراقچی نیز در همین چارچوب قابل فهم است. تهران با ارائه مسیر مشخص برای کاهش تنش، توپ را در زمین آمریکا انداخته و همزمان اعلام کرده که هیچ فشاری آن را از مواضع اصولی‌اش دور نخواهد کرد. اگر طرف مقابل صداقت نشان دهد، مسیر باز است؛ در غیر این صورت، آمادگی دفاعی بیش از گذشته حفظ خواهد شد. این ترکیب دیپلماسی و بازدارندگی، موقعیت ایران را در شرایط فعلی تثبیت کرده است.

در مجموع، روزهای اخیر تصویر واضحی از معادله قدرت در منطقه ارائه می‌دهد. ایران با تکیه بر تجربه میدان، توان صنعتی دفاعی و کنترل بر نقاط راهبردی، نه‌تنها تهدیدها را خنثی کرده، بلکه هزینه هرگونه ماجراجویی تازه را برای دشمن افزایش داده است. در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، این واقعیت بیش از پیش خود را نشان می‌دهد: قدرت واقعی در میدان تعیین می‌شود، نه در هذیان‌گویی‌های لفظی.

پدر موشک‌های ایران آماده شلیک است

مشاور عالی فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز یکشنبه در رزمایش جان‌فدایان مازندران در ساری افزود: ندای حق‌طلبی و عدالت‌طلبی مردم ایران، مرزهای جدیدی را برای کشور ایجاد کرده است. سردار محمدرضا نقدی به حضور پرشور و با شکوه ۲۳۱ شب مردم مبعوث‌شده در خیابان و میدان اشاره و بیان کرد: این حضور نشانه غیرت است، دشمنان بدانند که انسانیت فروختنی نیست امداد ایستادگی ملت ایران نشات گرفته از خون امام شهید و شهدا استنقدی با بیان این‌که لاف زدن رئیس جمهور آمریکا همچنان ادامه دارد و تهدید بمب مادر را مطرح می‌کند، خطاب به ترامپ گفت: بدان که اگر با بمب مادر تهدید می‌کنید، بمب ۱۴ تنی شما اثری نداشته و شکست خورده و فناوری آن نیز تجزیه و تحلیل شده است. وی خاطرنشان کرد: ما پدر موشک‌های خود را آماده کرده‌ایم و دشمن دست از پا خطا کند، حمله‌اش برای شکست است و راهی برای آنان باقی نمی‌ماند. برگ برنده امروز جمهوری اسلامی ایران استقلال و آزادگی است که به ملت‌های دنیا مخابره شده است.

برش

اخلاقی: خیال‌مان راحت است

روز گذشته مجلس شورای اسلامی با ۲۳۷ رای موافق، ۱۵ رای مخالف از مجموع ۲۷۷ موافق به مهرداد اخلاقی کتابچی، مدیر باسابقه صنایع هوافضا و موشکی، رأی اعتماد داد تا او سکان وزارت دفاع را پس از شهادت امیر نصیرزاده در دست بگیرد. اخلاقی در حاشیه جلسه و در پاسخ به پرسش‌ها درباره تهدیدهای ترامپ مبنی بر احتمال استفاده از بمب معروف به «مادر همه بمب‌ها»، صراحتا گفت: «ما تدابیر لازم را برای این موضوع اندیشیده‌ایم و خیال‌مان راحت است؛ با اطمینان کار خود را انجام می‌دهیم.» او خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «او باید به فکر این باشد که نیروهایش را سالم از منطقه ما خارج کند. اگر یک بمب بیندازد، باید ببیند چند نفر از نیروهایش را باید به‌صورت افقی از منطقه خارج کند.» این جملات، نشان‌دهنده اطمینان خاطر مقامات دفاعی ایران از توان بازدارندگی کشور است. اخلاقی پیش‌تر در صحن مجلس نیز تأکید کرده بود که اگر دشمن دچار خطای محاسباتی شود، پاسخ ملت و رزمندگان اسلام غافلگیرانه و گسترده خواهد بود.

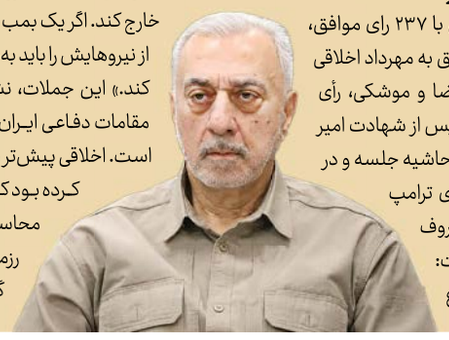

مجلس خبرگان رهبری در بیانیه‌ای تاکید کرد

حفظ حجاب، مسئولیتی قانونی است

ملت سرافراز ایران نمی‌تواند نسبت به گسترش فرهنگ برهنگی، بی‌بندوباری، عادی‌سازی بی‌حجابی و تضعیف بنیان خانواده بی‌تفاوت باشد. حفظ عفاف، حیا، حجاب، تقویت بنیان خانواده و سلامت اخلاقی جامعه، هم وظیفه‌ای شرعی و هم در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی، مسئولیتی قانونی است. درعین‌حال، مواجهه با این مسأله باید با حکمت، عقلانیت، اقناع، کار فرهنگی عمیق، حمایت از خانواده، تربیت نسل جوان و ابلاغ و اجرای قاطع قانون همراه باشد. از مسئولان فرهنگی و اجرایی کشور انتظار می‌رود در برابر جریان‌هایی که درصدد عادی‌سازی بی‌عفتی و تضعیف خانواده‌اند، برنامه‌ای جامع، مستمر و مؤثر ارائه دهند؛ حجاب و عفاف نباید به مسأله‌ای مقطعی تبدیل شود. لازم است این امر در منظومه‌ای هماهنگ از ایمان، تربیت دینی، فرهنگ عمومی، قانونمداری و مسئولیت اجتماعی دنبال شود.

در این بیانیه تاکید شده است:

اجرای قانون باید در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، روشن، عادلانه، یکسان و قابل پیش‌بینی باشد. همان‌گونه که بی‌قانونی راه‌حل مشکلات کشور نیست، اجرای سلیقه‌ای و تبعیض‌آمیز قانون نیز به اعتماد عمومی آسیب می‌زند. از هر سه قوه انتظار می‌رود ضمن اجرای دقیق قوانین مصوب، هرجا قانون نیازمند اصلاح یا تکمیل است از مسیرهای قانونی برای تحول و اصلاح آن اقدام نمایند.

نمایندگان مجلس خبرگان در ادامه این بیانیه افزوده‌اند:

تورم، کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی بازار، مشکلات تولید، مسکن و اشتغال و دشواری معیشت، مستقیم بر امید و اعتماد عمومی اثر می‌گذارد. از این رو از دولت محترم انتظار می‌رود اقتصاد و معیشت را از اولویت‌های اعلامی به اولویت عملیاتی کشور تبدیل کند و برای مسائل اساسی، برنامه‌ای روشن، زمان‌دار، دارای مسئول مشخص و شاخص‌های قابل ارزیابی ارائه دهد. احیای ظرفیت حکمرانی در یک راهبرد فوری برای تقویت پول ملی به احیای ظرفیت انفال، تحول در بانکداری و مقابله با بنگاه‌داری آنها، مدیریت حاکمیتی ارز، دلارزدایی، نهضت مردمی و ملی مسکن، احیای فناوری‌های برترساز، اقتصاد مردمی، توجه به امر آموزش و سلامت و بازدارندگی ملی، بستگی دارد. لازم است در کوتاه مدت، بدون انتظار برای اصلاحات چندساله، جریان ارز و اعتبار را مدیریت کرد، تقاضای سفته‌بازانه را کاهش داد، تولید را از شوک‌های ارزی مصون کرد و همزمان زمینه تقویت پایدار پول ملی را فراهم ساخت.

یادداشت

مصطفی مصلح‌زاده | دیپلمات پیشین

مقاومت و تحول بزرگ در توازن قوا

طی دو دهه اخیر تحولاتی در توازن قوا در روابط بین‌الملل آغاز شد که اکنون داریم نتایج آن تحولات را به‌وضوح می‌بینیم. از زمانی که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۰۶ به لبنان حمله کردند و اسرائیل عقب‌نشینی کرد ـ عقب‌نشینی‌ای که برای اسرائیل بسیار مفتضحانه بود و به همین دلیل، کمیته تحقیق تشکیل دادند تا بررسی کنند چه اتفاقی افتاده است ـ می‌توان گفت نوعی تحول در روابط بین‌الملل آغاز شد. این تحول هم از نظر ژئوپلیتیکی و هم از نظر راهبردی، به‌تدریج نشان می‌داد توازن قوا در حال تغییر است و ما باید محاسبات خود را تغییر دهیم. اکنون این تحول به اوج خود رسیده است و مؤلفه‌های آن را در جنگ آمریکا و ایران می‌بینیم. تا پیش از جنگ ایران و آمریکا، یعنی تهاجم آمریکا و اسرائیل به ایران، به ذهن کسی خطور نمی‌کرد چنین اتفاقاتی رخ دهد. برای مثال، اگر گفته می‌شد آمریکا قدرت برتر نظامی جهان است، بسیاری تصور می‌کردند این کشور می‌تواند در برابر هر تهاجمی مقاومت کند و در مقابل، هر مقاومتی را شکست دهد. به عبارت دیگر، تصور این بود که قدرت پدافندی آمریکا، با موشک‌های تاد و پاتریوت و همچنین سامانه‌های پدافندی اسرائیل، از جمله گنبد آهنین که همگی به فناوری آمریکایی متکی هستند، مجموعه‌ای از سامانه‌های بسیار قدرتمند و مطمئن را در برابر هر مهاجمی تشکیل می‌دهند و توازن قوا را از نظر پدافندی به نفع آمریکا تغییر می‌دهند. از نظر آفندی نیز تصور می‌شد آمریکا، وقتی تهاجم به کشوری را آغاز کند، قدرتی دارد که نمی‌توان در برابر آن ایستادگی کرد. اگر به تبلیغات توجه کنید، برای مثال، درباره بمب‌افکن‌های B-۵۲ آمریکا و جنگنده‌های F-۳۵ گفته می‌شد وقتی آمریکا حمله را آغاز کند، دیگر راه گریزی وجود ندارد. این تصور از قدرت آمریکا به‌عنوان برترین قدرت نظامی جهان، در واقع، به این معنا بود که این کشور با برخورداری از قدرت آفندی و پدافندی خود، در هر جنگی که وارد شود، حتما طرف مقابل را شکست خواهد داد. اما وقتی جنگ با ایران آغاز شد، این نظریه در هر دو وجه توازن قوا با شکست مواجه شد. این جنگ نشان داد نه قدرت پدافندی آمریکا می‌تواند مانع همه حملات شود و نه قدرت آفندی آن لزوما می‌تواند به نابودی طرف مقابل بینجامد. البته این مسأله پیش‌تر در یمن نیز خود را نشان داده بود؛ همان‌طور که حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ این واقعیت را نشان داد و یمن هم در جریان جنگ هشت‌ساله خود با عربستان، به‌نوعی آن را به نمایش گذاشت. اکنون یمن می‌تواند بخش‌های مختلف جغرافیای عربستان را، با وجود تمام تجهیزات پرهزینه‌ای که این کشور در اختیار دارد، هدف قرار دهد. از سوی دیگر، طرف مقابل نیز با استفاده از همان تجهیزات آمریکایی اقدام می‌کند اما نمی‌تواند یمن را به‌طور کامل نابود کند یا آن را به تسلیم وادارد. این وضعیت نشان می‌دهد که یک بلوک مقاومت شکل گرفته است که مدیریت اصلی آن با ایران بوده و قدرت آفندی و پدافندی آن از ایران آغاز شده و به حزب‌الله، انصارالله یمن، گروه‌های عراقی و حماس منتقل شده است. در حقیقت، این تحول باعث می‌شود که ایران، با توجه به توانایی‌اش در تغییر توازن قوا به این شکل، به یک ابرقدرت تبدیل شود. این نکته بسیار مهم است. باید به این مسأله توجه کنیم که ابرقدرت‌ها باید بتوانند در برابر تهاجم قدرت مقابل مقاومت کنند اما آیا صرف مقاومت کردن به معنای تبدیل شدن به ابرقدرت است؟ خیر. یک کشور زمانی می‌تواند در این جایگاه قرار بگیرد که علاوه بر مقاومت و تسلیم نشدن، بتواند طرف مقابل خود را نیز که اتفاقا یک ابرقدرت است، وادار کند شرایط مقاومت را بپذیرد. در تمام این جنگ‌ها، طرف مقابل در حقیقت آمریکا بوده است. بنابراین، مسأله فقط مقاومت کردن نیست؛ بلکه باید بتوان طرف مقابل را وادار کرد که شرایط مورد نظر نیروی مقاومت را بپذیرد. همان‌طور که گفتم، اوج این مسأله را در اسلام‌آباد دیدیم؛ جایی که آمریکایی‌ها تمام خواسته‌های ایران را پذیرفتند، هرچند آنها را اجرا نکردند اما به هر حال پذیرفتند. قطعا در یمن نیز همین اتفاق خواهد افتاد؛ زیرا دیگر امکان تسلیم کردن یمن وجود ندارد و نمی‌توان جلوی قدرت آفندی آن را گرفت. بنابراین، سعودی‌ها نیز، همان‌طور که آمریکایی‌ها مجبور شدند خواسته‌های ایران را بپذیرند، هرچند به آنها عمل نکردند، مجبور خواهند شد خواسته‌های یمن را بپذیرند؛ هرچند احتمالا در عمل به آنها پایبند نخواهند بود. تکرار همین سناریو، فرمول حاکم بر آینده جنگ یمن خواهد بود. این تحول بزرگ در توازن قوا در روابط بین‌الملل است. اما علت این‌که اکنون سعودی‌ها با وجود هزینه‌های زیادی که برای خرید سلاح کرده و تسلیحات فراوانی در اختیار دارد، و همین‌طور آمریکایی‌ها در برابر ایران و یمن دچار این بن‌بست شده‌اند و راه خروجی هم ندارند، همان دو راهی است که اشاره کردم. یمن نه تسلیم می‌شود و نه از بین می‌رود؛ زیرا آمریکایی‌ها و سعودی‌ها، با وجود تفاوت‌هایشان، در این زمینه با یک فرآیند و راهبرد مشابه عمل می‌کنند: طرف مقابل یا باید تسلیم شود یا نابود شود. اما وقتی طرف مقابل نه تسلیم می‌شود و نه نابود، طبیعتا راه سوم، یعنی دیپلماسی، مطرح می‌شود. همان‌طور که اشاره کردم، در روند اسلام‌آباد نیز آمریکا مجبور شد وارد مسیر دیپلماسی شود. البته آمریکایی‌ها از دیپلماسی به‌عنوان ابزاری برای فریب استفاده می‌کنند. یعنی وقتی دچار بن‌بست می‌شوند ـ مسیری که در برابر یمن نیز طی کرده‌اند ـ و می‌بینند طرف مقابل نه تسلیم می‌شود و نه از بین می‌رود، به تاکتیک سوم روی می‌آورند؛ تاکتیکی که می‌توان آن را «دیپلماسی فریب» نامید. در این رویکرد، آنها وارد مذاکرات دیپلماتیک می‌شوند تا خواسته‌هایی را که نتوانسته‌اند از طریق جنگ به دست بیاورند، از طریق دیپلماسی محقق کنند. آمریکایی‌ها اکنون نیز همین کار را انجام می‌دهند.

متن کامل

یادداشت

هادی محمدی | تحلیلگر مسائل سیاسی

افول رویای آمریکا و جمهوریخواهان و ترامپ

خیز سیطره و هژمونی جهانی و نظام تک‌قطبی از سوی جمهوریخواهان از دوره بوش پسر شروع شد و با ساخت یک نمایش تروریستی در ۱۱ سپتامبر، دوره کلینتون را با بازی مبارزه با تروریسم، قواعد جهانی جدیدی تعریف کرد و تقریبا همه بازیگران جهانی را منفعل کرد و با اشغال افغانستان و عراق و گره زدن رویای قدرت برتر جهانی با صهیونیست‌ها، حامیان دموکرات صهیونیست‌ها را به حاشیه برد، به طوری که در دوره اوباما به سطحی از چالش با صهیونیسم بین‌الملل و اسرائیل رسیدند. ولی ماجراجویی پرهزینه جنگی و سیاست‌های رفتاری مخاطره‌آمیز در جهان، آمریکا را وارد چالش بحران اقتصادی کرد. در دوره بوش پسر، جمهوریخواهان با سوار شدن بر قواعد و قوانین بین‌المللی، هژمونی نظام تک‌قطبی را در دسترس می‌پنداشتند و در نهایت فقط به یک یا چند شوک در سیاست‌های بین‌المللی بسنده کردند و تلاش میکردند متحدان خود را اقناع و همراه کنند اما در واقع در اولین دوره ترامپ بود که جمهوریخواهان عدم تبعیت از سنتهای رایج در سیاست خارجی و داخلی آمریکا تست کردند. در واقع با خروج آمریکا از برخی سازمان‌های بین‌المللی و عدم تبعیت الگوهای سابق تعاملی با جهان در دوره اول ترامپ ما با یک فرار به جلو از سوی آمریکا مواجهه شدیم که ویژگیهای یک بازی ناتمام و ناقص را نشان میداد ولی در دوره دوم ریاست ترامپ، خروج از ساختارهای سنتی قدرت در داخل آمریکا و عبور از همه قواعد و قوانین مبنای رفتاری ترامپ و آمریکا با شدت تمام صورت گرفت که به معنی پوست‌اندازی در تمام سازمان‌های بین‌المللی، قوانین و ماهیت آن بود و هدف را به جای نظام تک‌قطبی در ایجاد نظم یک دیکتاتوری جهانی با محوریت آمریکا تعریف میکرد. این در حالی بود که آمریکای ترامپ، دیگر در شرایط و توانمندی‌های گذشته قرار نداشت و توازن قدرت در مقابل قدرت‌های نوظهور یا قدرت‌های جهانی، شکل سابق را نداشت. رژیم صهیونی نیز که موتور محرک تفکر و اندیشه حاکمان کاخ سفید و تیم ترامپ را تشکیل می‌داد، در شرایط گذشته نبود و یک سیلی موجودیتی در دکترین و استراتژی‌های امنیتی و نظامی در طوفان الاقصی و ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دریافت کرده بودند. ترامپ و صهیونیست‌های بی‌رمق، تنها راه ادامه استراتژی سیطره بر جهان با دیکتاتوری جهانی را با فرار به جلو و باطل کردن همه قوانین و قواعد جهانی امکانپذیر دانستند. به همین دلیل حمله به ایران که همواره از سوی تمامی روسای جمهور آمریکا یک خط قرمز تلقی می‌شد و حتی در شبیه‌سازی‌های جنگی در خلیج فارس از سوی پنتاگون، به نتایج فاجعه‌بار نظامی رسیده بودند و راهبرد مهار و فرسایش را اولویت می‌دانستند، در یک راهبرد در برنامه هجومی نظامی در دستور کار ترامپ و نتانیاهو قرار گرفت. این زوج شیطانی حتی قواعد رفتاری را دوستان سنتی خود را زیرپا گذاشتند و در رویای نامگذاری و تصاحب جهان به‌نام ترامپ و صهیونیست‌ها، راهبرد خود را در دو رکن زیر دنبال کردند: جنگ شناختی مبتنی بر اظهارت فریبکارانه و دروغگویی و پهلوان‌نمایی و طرح بی شرمانه خواسته‌های طمع‌ورزانه برای بلعیدن دیگران که بیانگر سرمستی و خودشیفتگی آسشکار بود ، در کنار قتل و ویرانی و نسل‌کشی و عبور از همه خط‌قرمزهای گذشته جهانی با «تکیه بر قدرت و زور» دو رکن رفتاری ترامپ و نتانیاهو را شکل می‌دهد. در همین مسیر است که ترامپ زنگزور، خلیج مکزیک، کانادا، تنگه هرمز و ... را به نام خود زد و تحقق رویای صهیونی اسرائیل بزرگ را در دستور فوری قرار داد. در امتداد این راه به عم خودشان آمده بودند تا ایران وتمدن مردم ایران را نابود کنند و بر غرب آسیا حاکم شوند و سند منطقه را به نام اسرائیل بزنند و برای چین و روسیه خط و نشان کشیدند و دوستان غربی خود را به قبول اطاعت کامل وادارند. این رویاهای شیرین، امروز آنچنان تلخ و وارونه محقق شده که حتی آمریکا در مقابل ایران و دوستان عرب ترامپ در مقابل انصارالله و ارتش یمن و رژیم صهیونی در مقابل حزب‌الله لبنان در کابوس به سر می‌برد و «هرآنچه در جنگ شناختی بافته بودند، رشته شد.» بحران اقتصادی و مالی از بحران معیشت و انرژی در آمریکا و غرب شروع و توسعه‌یافته و تنگه‌های هرمز و باب‌المندب و شاخص‌های بحران در آمریکا و غرب در دست ایران و جبهه مقاومت است و ترامپ را به التماس در مقابل پوتین کشیده تا مقداری گازوئیل به آمریکا و اروپا صادر کند ولی انگلیس و حتی زلنسکی برای ترامپ، تره هم خرد نمی‌کنند.

متن کامل